

Examples and Purposes of the Verses of Surah At-Tayn with an Interpretation Narrative^{*}

Amin Fathi^{**}

Abstract

This study elucidates the meaning, purpose, and profound significance of the four oaths in Surah Al-Tin. Using a descriptive-analytical method, the article compares relevant Qur'anic verses and narrations in classical exegetical works. The research data and citations were gathered through library-based research. The findings indicate that while the Holy Quran and authentic Islamic texts explicitly name only four divine books, this surah alludes to the places of revelation for four prophets and their respective scriptures. Specifically, "the fig and the olive" symbolize the places of revelation and supplication for Jesus (PBUH) and David (PBUH), respectively, while "Mount Sinai" and "the Secure City" refer to the sites of the revelation of the Torah and the Holy Quran. The research concludes that, despite scholarly differences in interpreting the first two oaths, the surah collectively delineates the revelation of four foundational scriptures. It thereby outlines the four stages of divine law and articulates a path for human transcendence—guided by sacred law through the stages of servitude toward the perfected state of innate human nature (fitrah).

Keywords: Four Heavenly Books, Places of Revelation, Surah At-Tin, Stages of Sharia

^{*} Received: 2025-08-12 Revised: 2025-09-30 Accepted: 2025-02-07

^{**} Assistant Professor in Quranic and Hadith Sciences of Islamic studies
Department of Mohaghegh Ardabili University. (The Corresponding Author)
Email: A_fathi@uma.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



پروژہ، شکارِ علمِ انسانی و مطالعاتِ فرہنگی
پرتال جامعِ علمِ انسانی

مصادیق و مقاصد قسم‌های سورۀ تین با رویکرد تفسیر اثری*

امین فتحی**

چکیده

مصادیق و مقاصد قسم‌های قرآنی، جزو سؤالات مخاطبان آیات بوده و پژوهش‌های انجام‌یافته، تلاشی در جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها است. هدف این نوشتار، تبیین معنا، مقصود و عظمت قسم‌های چهارگانه سورۀ تین است که با شیوۀ توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها و تطبیق آیات و روایات مأثور در تفسیر این سوره، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از نرم‌افزارهای تفسیری انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در قرآن کریم و متون معتبر اسلامی، تنها نام چهار کتاب آسمانی آمده است و در این سوره نیز به محل وحی چهار پیامبر و نزول چهار کتاب، قسم یاد شده است. نتیجۀ پژوهش، این است که باوجود اختلاف نظر در معانی و مصادیق قسم‌ها، به‌خصوص در دو قسم اول این سوره، با توجیه پذیری‌های مرتبط، می‌توان نشان داد که تین و زیتون، به ترتیب، به محل وحی و مناجات حضرت عیسی (ع) و داود (ع) و طور سینین و بلد امین به مکان‌های نزول تورات و قرآن کریم اشاره داشته و ناظر به نزول چهار کتاب و مراحل چهارگانه شرایع آسمانی و بیان مسیر تعالی انسان در پرتو شریعت و طی مراحل بندگی، تا مرز انسانیت فطرت است.

کلیدواژه‌ها: سورۀ تین، زیتون، طور سینین، بلد امین، چهار کتاب آسمانی، مکان‌های وحی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

** استادیار علوم قرآن و حدیث گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

A_fathi@uma.ac.ir



۱. مقدمه

در قرآن کریم، نود و سه بار سوگند با واژگان مختلف قَسَم، حلف، یمین، واو قسم و در بیش از چهل سوره آمده: (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۷) الهی، به طور معمول، به سبب تأکید بر اهمیت موضوع و بیان عظمت چیزی است که به آن، سوگند یاد شده است و مخاطبان را متوجه امری خطیر می‌کند؛ اما مسأله پژوهش، علت سوگندها، مورد قَسَم‌ها و عظمت چهار قَسَم مطرح شده در سوره تین است که همواره محل سؤال و پژوهش علاقمندان به آیات بوده و نظرات مختلفی در پی داشته است؛ که مقصود از این واژه‌ها چیست و چرا مورد سوگند قرار گرفته است؟ با پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها گره‌گشایی نشده، بلکه گاهی سبب حیرت و ابهام نیز شده است. در بیشتر منابع تفسیری مکتوب و الکترونیکی، تنزیل تین و زیتون را دو میوه معروف، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۰۳/۵۷)، یا دو مکان یعنی کوه‌های آن دو میوه، یا دو منطقه تاریخی در شام و فلسطین دانسته و تأویل آن دو و طور سینین و بلد امین را به ترتیب، شهرهای مدینه، بیت المقدس، کوفه و مکه بیان کرده‌اند و یا به شخص رسول خدا (ص)، امام علی (ع) و امام حسن و امام حسین (ع) و سایر امامان از اهل البیت (ع) تطبیق داده‌اند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲ / ۴۲۹)؛ اما به مصادیق و نتیجه این پژوهش، تصریح نشده و یا اشاره‌ای مبهم شده است.

اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تین و زیتون به ترتیب، به محل وحی و مناجات حضرت عیسی (ع) و داود (ع)، و طور سینین و بلد امین به مکان‌های نزول تورات و قرآن کریم اشاره دارد و ناظر بر مراحل چهارگانه دعا؛ شریعت، طریقت و حقیقت؛ شرایع آسمانی است. در تبیین مسأله، نکات کلیدی و اشارات اهل البیت (ع)

به‌عنوان وارثان (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (فاطر / ۳۲)، و خزانه‌داران علوم بی‌کران قرآن (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ...) (عنکبوت / ۴۹)، راهگشا بوده‌است. این سوره شریفه، پس از چهار قَسَم، با اشاره به خلقت انسان در بهترین تعادل و قوام، و اختلاف افراد در بقا یا خروج از آن و تنزل تا اسفل سافلین، بر ضرورت داوری خالق حکیم در روز جزا تأکید دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳۹/۲). به بیانی دیگر، پس از ذکر مراحل تکامل و انحطاط انسان، تنها راه برون‌رفت از سقوط را ایمان و عمل صالح معرفی کرده و با تأکید بر مسأله معاد و حاکمیت مطلق خدا، پایان می‌گیرد. در ادامه ابتدا، مبانی پایه و سپس نظرات موجود پیرامون موضوع، بحث و بررسی می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱. ماده قسم: در اصل به معنای جزء جزء کردن است و قَسَم را حِلَف (سوگند خوردن) گفته‌اند؛ چون در آن، التزام و تعهد و قطعیت موضوع از غیر آن وجود دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۹۲/۹).

۲. ضرورت تبیین گران و تدبُّر در قرآن: غناء و جامعیت کتاب الهی، بی‌نیاز از تفسیر غیر است؛ اما با در نظر گرفتن سطوح مخاطبان عصری و نسلی، نیازمند به تبیین همتایان کلام خدا و آگاهان به آن در پاسخ به پرسش‌های زمان است؛ لذا، قرآن کریم، علاوه بر ظاهری روشن و همگانی، دارای اشارات و پیام‌های باطنی برای خواص است و با تدبیرهایی در قالب سوره‌ها و شیوه‌های بیان، از مخاطبان انتظار تدبُّر دارد.

۳. ظاهر و باطن آیات: قرآن مجید به‌عنوان کامل‌ترین کلام الهی، در عین عمق و جامعیت، روانی فهم عموم مخاطبان و طراوت همه زمان‌ها را در نظر گرفته و لذا، در

فهم و بیان مقصود آیات، مسأله ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل، عبارات و اشارات، لطائف و حقایق آیات قرآن، مطرح می‌شود (فتحی، ۱۳۹۷: ۱۱۷)، و روش تناسب تعلیم با سطح فهم‌ها، این نتیجه را دارد که «معارف عالیّه، با زبان ساده بیان شده و ظواهر الفاظ، مطالبی از سنخ محسوس القا می‌نماید و معنویات در پشت پرده ظواهر قرار گرفته و خود را فراخور فهم‌های مختلفه به آن‌ها نشان داده و هرکس به حسب حال و درک خود از آن‌ها بهره‌مند شود» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴۱).

۴. دین و شرایع: اصل واژه دین، خضوع و انقیاد در قبال برنامه یا مقررات معین است و جزاء و دین از مصادیق آن است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۳/۳۱۰)، و از نظر راغب، دین به معنی طاعت و جزاء است که شریعت، استعاره از آن است (ر.ک: راغب، ۱۴۰۴: ۱۷۵)، و در بیان علامه (ره)، دین همان سنّت حیات و راه‌وروش سعادت‌مندی با هدف و غایتی خاص است که فطرت و بیّنة انسان، وی را به این راه، هدایت می‌کند و جز آن را نمی‌تواند پیش بگیرد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶/۲۶۷). که آیه ۳۰ سوره روم (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ...) به آن تصریح دارد؛ لذا دین در اصطلاح که به برنامه زندگی نیز تعبیر می‌شود، درحقیقت، صورت مکتوب همان خواست فطری است و برای آن است که در طول تاریخ، خداوند یک دین برای بشر در نظر گرفته است (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ...) (آل عمران / ۱۹)، با شرایع مختلف (شوری / ۱۳)؛ چرا که فطرت‌ها یکی است؛ اما برخی از قوانین (شریعت) به اقتضای زمان و تکامل عقل‌ها و جوامع بشری و نیز امتحان امت‌ها، متفاوت است. تعبیر قرآن کریم نیز به جای «ادیان»، «شرایع» است و کلمه ادیان (جمع دین) نیامده است؛ چون شریعت، نمود و ظهوری از دین به مقدار نیاز زمان و مکان، به سبب تکامل عقول و جوامع بشری و امتحان امت‌ها است (مائده / ۴۸).

۵. شریعت اسلام: اصطلاح ادیان که در فرهنگ مکتوب و شفاهی رایج شده، تعبیری از روی مسامحه است؛ چراکه انسان، خدا، فطرت و دین واحد دارد که نام آن نیز اسلام است (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ) (آل عمران / ۸۵)؛ اما شریعت‌ها مختلف‌اند و براساس معیارهای عقلی نیز، تعدد دین و تفاوت در محتوا منتفی است؛ چرا که انبیاء الهی، آموزه‌های متفاوتی در عرصه اعتقادات و اخلاقیات عرضه نکرده‌اند؛ مگر در احکام و قوانین (شریعت)، و آخرین پیامبری که با شریعتش، دین واحد خدا را تکمیل کرده، محمد (ص) است که به پیامبر اسلام شهرت یافته‌است (مائده / ۳).

۶. چهار کتاب آسمانی: کتاب در لغت، بر جمع و نظم حروف (راغب، ۱۴۰۴ق: ۴۲۳)، و تثبیت مفاهیم و تحقق محتویات نبیّت و اندیشه، اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۰/۱)، و از نظر نوع کلمه، مصدر است و بر مکتوب، اطلاق می‌شود و به معانی مختلفی از جمله کتاب‌های آسمانی، اطلاق شده‌است (وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ) (بقره / ۲۱۳) و در این مقاله، محل نزول چهار کتاب آسمانی زبور، تورات، انجیل و قرآن کریم بحث می‌شود. کتب آسمانی به‌طور معمول، ناظر بر شرایط فکری و اجتماعی عصری و برای محدوده مکانی خاصی بوده‌اند، و با هدف تربیت و رشد انسان در عین هماهنگی در اصول، در مسائل فرعی به اقتضای تکامل تدریجی، با هم تفاوت‌هایی دارند و آیین بعدی، برنامه جامع‌تری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۰۱/۴)؛ لذا قرآن کریم_ آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی راهبردها و نیازهای زندگی بشری را در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشگری تا روز قیامت در بر دارد. بنابر مشهور، آنچه از آیات (فرقان / ۳۲) و روایات مأثور استفاده می‌شود، این‌است که همه کتاب‌های آسمانی، نزول دفعی داشته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۲۶)؛ اما قرآن کریم، دو نزول «یکپارچه و تفصیلی داشته که صلاحیت تغییر و تحوّل، به‌گونه ناسخ و منسوخ و مانند آن را دارد؛

مرتبه بسیط در شب قدر بر قلب مطهر پیامبر(ص) بوده، که طی دوران رسالت به صورت تفصیلی نازل شده است» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۵ تا ۱۸). اسامی دیگر کتب آسمانی در قرآن کریم نیامده است؛ اما برای حضرت ابراهیم (ع)، همانند برخی از انبیاء، در روایات، تعبیر صُحُف، به شکل اسم عام، به کار رفته است (صُحُفِ اِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى) (اعلی/۱۹). از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «خداوند، هفت سورة طوال را به جای تورات، و سوره های مثنی (سوره هایی که حدود صد آیه دارند) را به جای انجیل و سوره های مثنی را به جای زبور به من داد و پروردگارم مرا با دادن سوره های مفصل، فزونی بخشید» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۴۱/۱).

۳. چهار مقسم از منظر روایات

درباره مورد قَسَم در سورة تین، اقوالی گفته شده است که به بررسی آن ها پرداخته می شود:

۳-۱. میوه معروف

از روایاتی که در تفسیر سورة تین وارد شده و اکثر مفسران بر آن صحه گذاشته اند، مورد قَسَم، دو میوه معروف است؛ مانند آنچه گفته شده است که: «وقتی سورة تین بر غذایی خوانده شود، خداوند بیماری را از آن غذا دور می گرداند و شفا بخش می شود. همچنین از ابن عباس نقل شده که «خدا به انجیر خوراکی و زیتونی که روغن کشی کنند، سوگند خورده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۰۳/۵۷)؛ چون انجیر، تر و خشک، و هسته اش خوردنی بوده و درختش هم چون شجرة نبوت، صادق است که قبل از وعده ها و جلب نظر و پیش از رویش برگ، ثمر می دهد. زیتون نیز میوه ای است غذایی، دارویی و روشنائی بخش، با درختی پرتوان و بادوام و برگ هایی همیشه سبز که بیشتر در دامنه های قدس و طور می روید (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۳/۲). در عصر

نزول، فهم عرفی عرب از سورة تین، همان دو میوه معروف بوده؛ پس از چندی، برخی از صحابه و تابعین برای تناسب بین تین و زیتون با طور سینین، معانی متعددی را مطرح کردند؛ درحالی‌که هماهنگی لفظی بین زیتون و سینین برقرار بود. سپس، با ورود اقوال بی‌پایه و متعارض به تفاسیر، این دو واژه، در ابهام، فرو رفت. برای فهم قرآن باید در کنار توجه به تناسب معنایی آیات، با توجه به بحث فواصل، به زیبایی‌های لفظی آن‌ها بیشتر توجه کرد (توفیقی، ۱۳۹۹: ۶۶). و چون قرینه‌ای نیست که بتوان از ظاهر آیه، صرف‌نظر کرد؛ لذا معنای ظاهری بر معانی احتمالی دیگر مقدم است؛ یعنی سوگند به انجیر و زیتونی که مشهور و معروفند (نجفی، ۱۳۷۹: ۳۰۹/۹). با صحّه گذاشتن به ظاهر کلمات، از بین همه میوه‌ها در قرآن کریم، فقط انجیر و زیتون، محل سوگند واقع شده‌است که ارزش غذایی ویژه‌ای دارند.

از دیدگاه دکتر طه ابراهیم _ استاد گیاهان دارویی _ مصرف توأم انجیر و زیتون، نقش به‌سزایی در سلامتی دارد و هماهنگ با یافته‌های دانشمندان ژاپنی مبنی بر تأثیر ویژه مصرف یک انجیر با هفت زیتون است. در قرآن کریم نیز یک بار انجیر و شش بار زیتون، به‌صورت صریح، و یک بار به اشاره آمده‌است. این دو میوه، حاوی ماده کمیاب متالویدون‌ز هستند که در کاهش کلسترول و تقویت قلب و تنظیم تنفس، بسیار مؤثر است (ایکنا، ۱۳۸۸). تین و زیتون می‌تواند دو منبع غذایی مفید و تا حدی کافی، برای رفع احتیاجات بدن باشد. نیازهای متعادل زیستی را به‌راحتی می‌توان از طبیعت گرفت و خود را در اختیار معنی گذاشت؛ چون نیازهای مادی، هدف نیست و تأمین آن، آغازی برای پیوند با مراکز وحی و قوانین الهی، برای یک زندگی سالم و هدفمند است (مصحف، بی‌تا)؛ پس همانند نقش پالایندگی آن دو میوه برای بدن، مکان‌های قدسی وحی نیز برای تطهیر باطن در اثر ایمان و عمل صالح، ضرورت دارد و «انجیر و

زیتون، نمایانگر احسن تقویم بدنی، و طور سینین و بلد امین، جهت تقویم روحی انسانند؛ چنانچه جایگاه وحی اسرائیلی، طور؛ و پایگاه وحی محمدی، مکه مکرمه است» (صادقی تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۷۸)؛ لذا یکی از دلایل سوگند به این دو میوه، می‌تواند اهمیت غذایی و دوائی آن و چهار سوگند، پاسخ به نیازهای جسم و جان باشد. دو سوگند اول، مرتبط با غذای جسمانی است، و سوگند سوم و چهارم، در ارتباط با جایگاه تکلیم موسی و جایگاه نزول وحی بر پیامبر اسلام است. عناصر و ترکیبی که در جسم و روح انسان است، دارای قوام و اعتدالی است. همه موجودات همین طورند تا به یک نقطه اعتدالی برسند و نیکوترین ترکیب و استعداد بدنی، ظرفیت پذیرش روح الهی و نیکوترین استعداد روحی، مظهر صفات کمالیه الهی واقع شود (مطهری: ۱۳۹۶، ۲۲۴/۱۳ و ۲۲۸)؛ بنابراین، سوگندها شواهد و نمونه‌هایی از مقومات جسمی و روحی انسان است.

۳-۲. سرزمین‌های پیامبرخیز

امام کاظم (ع) از حضرت پیامبر(ص) روایت کرده است که خدای متعال، چهار سرزمین را برگزید و فرمود: «التَّيْنِ، مدینه است، الزَّيْتُونِ، بیت المقدس است، طُورِ سَيْنِینِ، کوفه است وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ، مکه است» (فیض کاشانی: ۱۳۶۲، ۸۳۱/۲).

علامه طباطبایی در این خصوص، آورده است: «مقصود از بلد امین، مکه بوده که خانه کعبه در آن واقع شده و امنیت از ویژگی اختصاصی آن است، و با تکریم «هذا»، شرافتش را بر سه نقطه دیگر رسانده است، و هردو معنای فاعلی (امنیت بخشی و صاحب آن) و مفعولی (امنیت داده شده) امین (صفت مشبیه)، می‌تواند مد نظر باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۴۰/۲). کعبه و مناسک آن، الهام بخش و تبلوری از توحید

ابراهیمی است که شرایع انبیاء نیز شرح و بیانی از آن توحید فطری است؛ بر همین اساس، این خانه همواره الهام‌بخش حقوق متساوی (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۵/۴)، و عادلانه انسان‌ها و موجب امنیت فردی و اجتماعی بوده‌است؛ پس، «سوگندهای چهارگانه، ناظر بر «سرزمین‌های نزول وحی است؛ زیرا نوح (ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی (ع) در بیت‌المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (ص) در مکه مبعوث شده‌اند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۴۱/۲۰).

۳-۳. کوه‌ها

برخی صاحب‌نظران، این قَسَم‌ها را کنایه از برخی کوه‌ها دانسته‌اند که از آن جمله است طبرسی که نقل کرده است که "تین"، نام کوه شهر دمشق، و "زیتون"، کوهی است که بیت‌المقدس بر آن بنا شده است، و هر دو، محل رویش انجیر و زیتون می‌باشند (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۷۷۵/۱۰)، و به زبان سُرِیانی، آن‌ها را طور تینا و زیتا گویند و ذکر تین و زیتون، علاوه بر ویژگی ممتازی که دارند، به سبب کثرتشان در آن مناطق وسیع بوده، که مکان ظهور بسیاری از پیامبران بزرگ است؛ البته حمل معنای تین و زیتون بر کوه‌ها، مجازی بوده و چون قرینه‌ای در کلام و شهری در خاص و عام ندارد، بنابر نظر برخی روا نیست (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۶۳/۴).

طور در لغت، کیفیت مُعین در هر شیء است و امتداد، لازمه آن است و اطلاقش به کوه نیز به دلیل امتداد آن با کیفیت خاصی در زمین است که بر کوه مناجات موسی (ع) عَلَمٌ بِالْعَلَبَةِ شده‌است» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۵۸/۷)، و طور سیناء هم نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳۹/۲). براساس آنچه در دعای سمات آمده‌است «حورِیث»، محل مناجات حضرت موسی در طور است (وَفِی طُورِ سَیْنَاءَ، وَفِی جَبَلِ حُورِیثَ) (ابن

طاوس، ۱۳۸۳، دعای سمات؛ اگر چه به تصریح اکثر منابع، این کوه و سینا یکی است و در بحارالانوار، اضافه شده که به آن، «حورینا» نیز گفته شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۱۱/۹۰). در عهد عتیق، و برخی از منابع جغرافیایی، از طور سینین، به نام‌های «سینا»، «حوریب»، «جبل‌الله» و «جبل موسی» نیز یاد شده است (ر.ک: سفر تثنیه، ب ۲۹: ۱ و خروج، ب ۳: ۱)، و بعید نیست که تعبیر به سینین، اشاره به محل نزدیکی از طور باشد؛ چرا که «ین» دلالت بر کاهش و انعطاف دارد؛ برخلاف الف ممدود (سیناء) که بر وسعت و امتداد دلالت دارد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۵۸)؛ اما «طوی» در لغت، به معنای جمع، در مقابل نشر و بسط یا در شأن بسط است (إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى) (نازعات / ۱۶)؛ پس، «طوی»، «وادی مقدسی است که مَجْرای سیلان علوم الهی بوده و در آن، آنچه که از شأنش نشر با رسالت بوده، جمع شده است» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۷)، و «جبل فاران، کوه مناجات پیامبر اسلام در مکه است» (حسینی طهرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸). روایت شده است که حضرت آدم (ع)، خانه کعبه را از سنگ‌های پنج کوه؛ از جمله کوه نور، بنا کرد که به نظر برخی، همان کوه فاران است و «ظاهراً، فاران، نام همه کوه‌های مکه است» (عاملی، ۱۳۸۵: ۳۰۰/۲)، و به تصریح آنچه در دعای سمات، آمده است، «ساعیر» نام کوه مناجات و محل نزول وحی حضرت عیسی در فلسطین است (و بطلعتک فی ساعیر...) که مقصود، نزول وحی بر آن حضرت و «محل عبادتش بوده که امروزه جبل‌الخلیل نامیده می‌شود» (انجمن آنتی شبهات، ۲۰۲۴). برخی مسیحیان هم کوه زیتا (زیتون) را به عنوان کوه مقدس خود به شمار می‌آوردند؛ گرچه به نظر برخی، حوریب، درسرزمین شام است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۸۳/۱)؛ اما باید در نظر داشت که در تعبیر جغرافیایی قدیم، شامات، به منطقه‌ای بزرگ اطلاق می‌شده است.

۳-۴. چهار دوران زندگی انسان

برخی برای وحدت سیاق آیات، تین و زیتون را نیز اشاره به دو مکانی دانسته‌اند که با حوادث بزرگی، تأثیر ماندگاری در زندگی بشر داشته‌اند؛ بنابر نقل عبده، این چهار قَسَم، چهار فصل کتاب طولانی انسان است: "این اشاره به عهد انسان اول دارد که در جَنّت در سایه و پناه برگ‌های انجیر قرار گرفت. زیتون اشاره به عهد نوح و ذریه‌اش دارد که برگ زیتون را نشانی از رحمت بعد از غضب الهی دانست و طور سینین، ناظر به عهد شریعت موسوی بعد از شیوع آلودگی‌های بت پرستی بوده‌است، و هذا البلد الامین، به عهد ظهور نور محمدی از مکه اشاره دارد که زمینه‌ساز تغییر تاریخ بشری است. در این صورت، قَسَم‌ها با مقسم (خلقت انسان در احسن تقویم) متناسب خواهد بود (ر.ک: عبده، ۱۹۸۵: ۱۱۹)؛ لذا «تین به حضرت آدم(ع)، زیتون به حضرت نوح(ع)، طور سینا به حضرت موسی(ع)، و بلد امین به حضرت رسول اکرم(ص) اشاره دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۰). این دیدگاه، دارای نگاه راهبردی است؛ اما فاقد استنادات کافی قرآنی است. مناسب‌ترین آیه در این خصوص، آیه ۳۳ آل عمران است: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) که آن هم فاقد مفهوم انجیر و زیتون است.

۳-۵. اهل البیت (ع)

در تفسیر قمی بدون استناد آمده است که مقصود از انجیر، رسول خدا (ص)، مقصود از زیتون، امیرمؤمنان (ع)، مقصود از طور سینین، حسن و حسین (ع)، و مقصود از هذا البلد الامین؛ ائمه (ع) هستند (قمی، ۱۳۶۷: ۴۲۹/۲). امام کاظم (ع) فرمود: «بلد امین پیامبر (ص) است و ما، راه آن بلد هستیم. خداوند، مردم را در راه آن‌ها از عذاب در

امان قرارداده است؛ در صورتی که از پیامبر (ص) اطاعت نمایند» (فراة الکوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹). از امام رضا (ع) روایت شده است که منظور از طور سینین، امیرمؤمنان (ع) است (فراة، ۱۴۱۰ق: ۵۷۸)، و از حضرت کاظم (ع) نیز وارد شده که تین و زیتون، حسن (ع) و حسین (ع)، و طور سینین، علی بن ابی طالب (ع) است (بحرانی، ۱۴۲۷: ۳۱۹/۸).

بدیهی است که این دسته از روایات، تأویلی و باطنی است و سند روایات ناظر بر سرزمین‌ها، معتبر است و احادیث تطبیق بر اهل بیت، شهرت روایی دارند که بر مبنای تراکم ظنون اعتبار می‌یابند و از نظر محتوا نیز خالی از غلو و برخوردار از قرائن مضمونی در قرآن و سنت هستند و ناسازگار با ظاهر آیات نیستند (مروجی طبسی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

۳-۶. مسجد

از ابن عباس نقل شده که «التَّيْنِ، مسجد نوح است که بر جودی ساخت، و الزَّيْتُونِ، بیت المقدس (یا همان مسجد شهر قدس) است» (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۷۷۵/۱۰). ابن کعب نیز گفته است که تین، مسجد اصحاب کهف، و زیتون، مسجد ایلیا (قدس) است؛ هم چنین نقل کرده است که تین، مسجد الحرام و زیتون، مسجد الاقصی است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۳۹/۱۰)، و از روایاتی که بر سرزمین، تطبیق داده شده، استفاده می‌شود که مقصود از تین، مسجد النبی است.

۳-۷. محل وحی انبیاء

بعضی مترجمان قرآن نیز آن دو را، به قرینه قَسَم‌های سوم و چهارم، اشاره به مکان‌هایی در شام و مرتبط با محل تولد و زندگی حضرت عیسی دانسته‌اند: «کوه زیتون و انجیر،

جایگاه وحی عیسی (ع) است» (کاویان پور، ۱۳۷۸)؛ یعنی انجیر و زیتون، همان بیت‌المقدس، محل وحی عیسی (ع)، و طور سینین، مکان وحی موسی (ع)، و بلد امین، محل بعثت نبی اسلام (ص) است؛ چرا که «در پایان تورات، به ترتیب زمانی، به این سه مکان، اشاره شده‌است (خداوندمان از کوه سینا برآمد و از ساعیر_ محل بعثت عیسی (ع)_ درخشید و از کوه‌های فاران_ مکه، محل بعثت محمد (ص)_ آشکارشد)» (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۴۲۰/۸)، و این تعبیر، قابل تطبیق با جملاتی از دعای سمات است (وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ، وَبَطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فارانَ ...) (ابن‌طاوس، ۱۳۸۳: ۳۵۲)؛ البته خداوند با موسی از فراسوی حجاب، سخن‌گفت؛ ولی بر پیامبر اعظم (ص) گاهی به واسطه جبرئیل (نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ) (شعراء / ۱۹۳)، و گاهی بدون واسطه (فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى) (نجم / ۱۰) وحی کرد. در آخرین فراز دعای سمات، حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع)، یک امت، محسوب شده‌اند و حضرت اسحاق، جزو امت عیسی (ع) و یعقوب (ع) نیز از امت موسی (ع)، به حساب آمده‌است.

۱-۱-۷. تین (محل وحی حضرت عیسی)

الف-۱-۷-۱. بیت‌المقدس: بر اساس روایت انجیل، بیت لحم محل تولد حضرت عیسی بوده (لوقا / ۲: ۷) که برخی روایات شیعی نیز بر آن صحه گذاشته‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴: ۲۰۸). و در تفسیر آیه «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا» (مریم، ۲۲). که به مکان دور نامشخصی ناظر است؛ روایتی که آن را کربلا (طوسی، ۱۳۶۵: ۷۳/۶)، و روایت سومی که ولادت را روی سنگی سفید در منطقه براثا دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۱۰/۱۲) که اکنون، محل مسجد جامع براثا است، قابل جمع‌اند؛

چرا که منافاتی ندارد که اتفاق معنوی حضور مریم (س) در کربلا بر روی سنگی بوده باشد که بعدها به برائنا منتقل شده یا کمی در آن منطقه نیز اقامت کرده است و در عین حال، ممکن است که این واقعه در زمان حضور مریم (ع) در بیت لحم بوده باشد؛ اما به نظر محققان عهد جدید، محل تولد عیسی (ع) در ناصره است (ر.ک: گری، بی تا). بی شک، مسیح (ع) از بدو تولدش، پیامبر (ر.ک: مریم، ۳۰)، و حجت خدا بوده است؛ اما عهده دار رسالت نبود. ولی در هفت سالگی، نبوت و رسالتش را آشکار کرد و حجت خدا بر یحیی و همه مردم جهان شد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۳۸۲)، و محل زندگی با مادرش در دورانی که صامت بوده، اشاره سر بسته‌ای به مکانی امن و پر برکت دارد (ر.ک: مومنون، ۵۰)، تا از شر دشمنان، در امان باشند. بنابر نقل مرحوم صدوق (ره) از رسول خدا (ص)، بیشتر محل زندگی و رسالتش، منطقه بیت المقدس و دعوت بنی اسرائیل بوده است؛ ولی اکثرشان، علی رغم معجزه مسخ عده ای از سران، ایمان نیاوردند و ناچار به بیت المقدس آمد و [تا پایان زندگی] سی و سه سال، در آنجا ماند و به دعوت مردم پرداخت (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۱/۲۲۵). ابن کثیر در تفسیر تین و زیتون، پس از نقل نظر کثیری از مفسران که مقصود از تین و زیتون را سرزمین یا زمین محل رویش تین و زیتون، ذکر کرده اند که همان بیت المقدس باشد، اضافه کرده است که بعضی از ائمه فرمودند: «این ها (مقسم های سورة تین) سه مکانی هستند که خداوند در هر کدام، پیامبر اولوالعزم صاحب شریعتی را مبعوث کرده است» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۹/۴۲۰)، و به اعتباری، می توان تین و زیتون را از آثار و برکات اطراف مسجد الاقصی محسوب کرد (ساعدی، ۱۳۹۸: ۱۹).

ب- ۷-۱-۱. «بیت فاجی» در دامنه کوه زیتون نیز از جمله مکان های وحی و حضور عیسی (ع) است (ر.ک: لوقا، ۱۹: ۳۰). بر اساس یافته های باستان شناسی، بیت

فاجی مکانی در منطقه «بیت ناتیف»، واقع در کوهپایه‌های فلسطین است و «بیت ناتیف» روستایی در شمال غربی الخلیل بوده که پس از اشغال و ویرانی آن به‌دست صهیونیست‌ها، شهرک «ناتیف هالامده» را بنا نهادند (دانشنامه فلسطین، ۲۰۲۰).

ج-۷-۱-۱. ساعیر: ناحیه ای کوهستانی نزدیک ناصره، مسکن حضرت عیسی و حواریون (ر.ک: مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۳۸۵)، و بنابر روایت امام رضا (ع)، مکان وحی (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۴۸/۱) و رسالت عیسی (ع) بوده‌است (ر.ک: صبری پاشا، ۱۴۲۴: ۹۲/۱)، و علامه مجلسی در شرح دعای سمات، ساعیر را کوهستانی در حجاز و محل مناجات و استجابت دعای عیسی (ع) دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۲۳/۹۰).

۲-۱-۷. زیتون (محل وحی حضرت داود)

حضرت داود از پیامبران بزرگ بنی‌اسرائیل و صاحب کتاب بود «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زُبُورًا» (اسراء / ۵۵) که خداوند به او علم (نمل/۱۵)، حکمت، حکومت و قضاوت (ص/۲۰) را عطا کرد. وی از نسل چهاردهم حضرت ابراهیم (ع) بوده و حدود ۹۷۲ سال پیش از میلاد می‌زیسته‌است و نسب حضرت عیسی با ۲۸ واسطه به داود (ع) می‌رسد (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). محل تولد آن حضرت، مشخص نیست؛ اما چون محل زندگی بنی‌اسرائیل، فلسطین بوده، می‌توان تولد وی را فلسطین دانست. در میان صاحب‌نظران اسلامی، به استناد روایاتی مشهور است که کتاب زبور نیز همانند تورات و انجیل، نزول دفعی داشته‌است (مفید، بی‌تا: ۴۴). کتاب زبور یا تهلیلیم، در عهد عتیق با عنوان مزامیر داود، در ۱۵۰ فصل آمده‌است و در کلام امام علی (ع) نیز به «صاحب المزامیر» تعبیر شده‌است (صبحی صالح، ۱۳۸۴، خ ۱۶۰). هرچند این کتاب همانند سایر کتاب‌های مقدس، دست‌خوش

تحریف شده، اما شکل خود را تا حدودی، حفظ کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۱۵/۴)؛ لذا مطالعات جدید، نشان می‌دهد که زبور فعلی، از مؤلفین متفاوت و در عصرهای متوالی بوده و بین قرون هشتم تا دوم قبل از میلاد، تنظیم شده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). در مورد محل نزول زبور، اطلاعات دقیقی وجود ندارد؛ اما در آثار مفسران، اشاراتی شده که به قرار زیر است:

الف-۷-۱-۲. کوه زیتون: این کوه در شرق بیت المقدس و مُشرف به شهر است و اعراب، آن را «کوه طور» و یا «طور زیتا» می‌نامند و روستای طور، بر آن واقع شده و گویا نامش از درختان زیتون زیادی که در آن منطقه بوده، گرفته شده است. در روایتی آمده که زیتون مذکور در آیه «والتین و الزیتون»، همان کوه زیتون بیت المقدس است (دانشنامه فلسطین، ۲۰۲۰). طور زیتا کوهی در بیت المقدس یا خود بیت المقدس است (عبده، ۱۹۸۵: ۱۱۸)، و از بیان کتاب عهد عتیق استفاده می‌شود که داود (ع) به هنگام گرفتاری، با سر پوشیده و پای برهنه و گریه کنان، به کوه زیتون می‌رفته است (سموئیل ۲: ۱۵).

ب-۷-۱-۲. اورشلیم: نام عبری بیت المقدس؛ پایتخت فلسطین است. قبل از تسلط حضرت داود (ع)، آن را «یبوس» و پس از آن، «اورشالم» یعنی شهر صلح و آرامش یا «مدینه داود» نامیده‌اند. از نام‌های دیگر آن «ایلیا» (خانآ خدا) است که یهودیان آن را «بیت همیقداش» (خانه مقدس) می‌گویند و پس از ظهور اسلام، به نام‌های بیت المقدس و قدس شریف، مشهور شد (ر.ک: حمیدی، ۱۳۸۱: ۱۵ و ۱۶). یبوس را به پادشاه «یبوسی» نسبت داده‌اند؛ که برخی او را همان «سام بن نوح» می‌دانند. از نظر قدمت، بنای بیت المقدس را به قبل از نوح و به دست حضرت آدم و حتی به وسیله فرشتگان الهی بعد از بنای کعبه دانسته‌اند (علیمی الحنبلی، ۱۴۲۰ق:

وجه‌الله از نگاه مفسران فریقین همراه با سیر تطور آراء / خنشا ۲۰۳

۷۰/۱ و ۷۱). البته امروزه مسجدالاقصی در اصل، شامل همه بناهای مقدسی است که در اورشلیم (بیت المقدس) قرار دارد؛ نه فقط ساختمان هشت‌ضلعی که همان مسجد قبه الصخره باشد (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۹۶/۲ تا ۱۰۱).

ج-۷-۱-۲. صیون یا صهیون: نام مقر حضرت داوود و کوهی است که اورشلیم بر آن بنا شده و بعدها معبد بیت المقدس و مسجدالاقصی در آن ساخته شده و برای یهودیان مقدس است (ر.ک: انجمن کلیمیان تهران، بی‌تا). کوه صهیون، به معنی خشک و پر آفتاب، در جنوب غربی شهر قدس واقع شده که داود (ع) زمان ورود به این سرزمین، در آنجا اقامت کرده و آن را شهر داود نامیده‌است؛ امروزه آرامگاه حضرت داود و سلیمان و گروهی از انبیاء بنی اسرائیل بر بالای تپه قرار دارد (حمیدی، ۱۳۸۱: ۲۴۳). اعتقاد بر این بوده که محل الهام و مکاشفات حضرت داوود (ع) در این مکان بوده‌است.

د-۷-۱-۲. تِلْ دَان: درکاوش‌های باستانی محوطة باستانی «تِلْ دَان» واقع در شمال الجلیل، کتیبه‌ای سنگی متعلق به سال ۹۵۰ ق.م یافت شده که لحنی مناجات‌گونه داشته و بر آن، جملاتی به زبان کهن آرامی بوده که عبارت «خانه داوود» در آن، جلب توجه می‌کند؛ لذا باستان‌شناسان، نظریه وجود خانه حضرت داوود و سلیمان (ع) را در این منطقه، مطرح کردند (رامین‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۱). بر اساس کتاب مقدس، حضرت داوود (ع) سرانجام در بیت المقدس درگذشت و در قریه داوود، مدفون شد.

۳-۸. جری و تطبیق آیات

انجیر غذای کامل و نمادی از شیرینی شریعت است که پذیرش و عمل به آداب و احکام آن، زمینه‌ساز سلامتی دین و دنیا خواهد بود؛ آن‌گونه که در دعایی در کافی،

۲۰۶/۱)، و خطاب به بنی‌اسرائیل است که با نافرمانی وارد نشدند و چهل سال، دچار سرگردانی شدند؛ ولی در تأویل و نگاه باطنی، مکانی قدسی و زمینی مقدس است که در آن، گناه نشده باشد؛ تین و زیتون نیز در ظاهر، نام دو کوه در بیت المقدس است؛ اما درحقیقت، دو وادی و مقام در زمین قدسی هستند که بر همه اهل بصیرت، لازم است که آنجا را درک کنند و وارد آن شوند و گرنه، در سیر انسانی، سرگردان می‌شوند. هم چنین در آیه شریفه «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ» (بقره / ۵۸)، مقصود موطنی است که از بنی‌اسرائیل خواسته شده که وارد بشوند؛ اما مانند هبوط بنی‌آدم: «اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا» (بقره / ۳۸)، قوم موسی هم هبوط کردند. چون موسای کلیم، موفق شده بود تا قوم خودش را از این وادی، عبور و رفعت بدهد و آنان را وارد عالم دیگری کند که نعمت بهشتی من و سلوی برایشان نازل می‌شد (ر.ک: میرباقری، ۱۴۰۰)؛ ولی با بهانه جویی و نداشتن صبر بر طعام واحد، خطاب: «اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ» (بقره / ۶۱)، آمد و دچار ذلت شدند؛ هم‌چنان‌که پیامبر اسلام (ص)، در روز غدیر می‌خواست که امت خویش را وارد وادی حقیقت و شهر حکمت کند؛ اما از راهش: «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره / ۱۸۹) که ولایت علی (ع) بود (بحرانی، ۱۴۲۷ق: ۱/ ۴۱۵)، و در تفسیر آیه «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سبأ / ۱۸) و «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران / ۹۷)، ابوحنفیه در جواب سؤال امام صادق (ع) که منظور از بلد امین کجاست؟ می‌گوید که مکه است و حضرت می‌فرماید: «پس چرا کعبه را ویران کردند و امنیتش مخدوش شد؟ بلکه مقصود این است که کسی که به سمت مکه می‌آید و رو به امام باشد، در وادی ایمن است (صدوق، ۱۳۸۳: ۱/ ۹۰)؛ پس امنیت در دعای حضرت ابراهیم (ر.ک: آل عمران، ۹۷)، نجات از عقوبت الهی است؛ چون ائمه (ع)، ارکان البلاد هستند؛ یعنی

جامعه‌ای که حول امام ساخته شده و نیازهای جامعه بر محور امام و محبت امام است (میرباقری، ۱۳۹۹).

بنابراین، سوگندها درصدد بیان مسیر تعالی هستند؛ به گونه‌ای که انسان در پرتو تداوم عبودیت و طی مراحل بندگی؛ یعنی حرکت از شریعت (تین) و رسیدن به (زیتون) «(ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۳۹/۱۰)، وارد طریقت الهی شده؛ سپس با درک مقام طور، درنهایت، به حریم امن فطرت (بلد امین) می‌رسد. طور سیناء، گرچه محل میقات و تکلیم بوده‌است؛ اما فقط کوه ظاهری نیست؛ چنان‌که از آیه «فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ» (قصص / ۳۰) و آیه «إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه / ۱۲) استفاده می‌شود، «طوی» جمع و پیچیدنی است که شأنش بسط است، و مقصود از وادی جهت روحانی و معنوی آن است «(مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰/۷). پیامبر خدا (ص) در جواب از علّت تقدس وادی، فرمود: «لَإِنَّهُ قُدِّسَتْ فِيهِ الْأَرْوَاحُ؛ چرا که روح‌ها در آن، پاک گشته‌اند» (صدوق، ۱۳۸۳: ۴۷۲/۲). راه ملاقات خدا طولانی بود؛ اما خدا این راه را پیچیده و کوتاه کرد. در وصایای حضرت علی (ع) نیز وارد شده‌است که فرمود: «... آنگاه که دیدید قدم‌ها ایستاد و بادی وزیدن گرفت، مرا آنجا دفن کنید که اول طور سینا است» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۴/۶)، و طور مطلق (طور / ۱)، حقیقت وجودی پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) است؛ همان‌گونه که در اخبار وارد شده‌است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ...» (مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۵۹)؛ پس حقایق و معارف پیچیده در مقام طور را می‌توان در معیت صاحبان روح قدسی، درک کرد.

۴. نتیجه

قرآن مجید به عنوان کامل‌ترین کلام الهی، در عین عمق و جامعیت، روانی ظاهر و طراوت معنایی همه زمان‌ها را در نظر گرفته‌است؛ لذا در فهم و بیان مقصود آیات،

مسئله ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل، اشارات و حقایق آیات، مطرح می‌شود. باوجود اختلاف نظر در معانی و مصادیق دو قسَم اول سورة تین، با توجه‌پذیری‌های مرتبط، از بین نظرات مطرح‌شده در معنا و تفسیر دو واژه تین و زیتون، نظریه چهار دوران زندگی، از نگاه راهبردی برخوردار بوده؛ اما خارج از موضوع بحث است. همچنین بنابر احتمال تفسیر راهنما، باتوجه‌به انجیرخیزی کوفه و زیتون‌خیزی بیت‌المقدس، سوگندهای چهارگانه، شامل سرزمین‌های نزول وحی است؛ زیرا نوح (ع) در کوفه، ابراهیم (ع) و عیسی (ع) در بیت‌المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (ص) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۱ / ۴۴۰). این بیان، پیامبران اولوالعزم را در بر می‌گیرد؛ اما بدون چهار کتاب مذکور در قرآن کریم؛ لذا همان‌طوری که گذشت، چهار مقسم را می‌توان بر محل نزول چهار کتاب آسمانی زبور، تورات، انجیل و قرآن کریم تطبیق داد.

یکی بودن دین، اقتضا می‌کند که هیچ فرقی بین انبیای الهی و محتوای دعوت آن‌ها نبوده‌باشد (آل عمران / ۸۴)، و کتاب‌های بعدی، تصدیق‌گر کتب قبلی، و قرآن کریم، مُصَدِّقُ همه کتب آسمانی باشد (مأئده / ۴۶ تا ۴۸)، و دامنه رسالت انبیاء، به‌لحاظ زمانی و مکانی، یکی نبوده‌است؛ برخی برای قوم و زمانی خاص؛ برخی برای عموم در زمانی خاص و رسالت خاتم پیامبران (ص)، جهانی و برای همه اعصار بوده‌است؛ لذا کتابش، کامل‌ترین است. به‌طور معمول، کتاب تحریف‌شده، با کتاب بعدی، تصحیح و تصدیق می‌شد. «مبادا فکر کنید که من برای زائل‌کردن تورات، یا نوشته‌های انبیاء، آمده‌ام؛ من نه برای تخریب؛ بلکه برای تکمیل آمده‌ام» (متی / ۵: ۱۷)، و اقتضای ختم نبوت نیز مصونیت آخرین کتاب از تحریف می‌باشد؛ پس قرآن کریم، محتوای زبور، تورات و انجیل تحریف‌نشده را با بیانی جامع دارد و شرایع قبلی، مقدمه‌ای بر آخرین

شریعت و اکمال دین اسلام بوده و همه آن مراحل را دارا است (ر.ک: مائده، ۳)؛ لذا در قرآن مجید و دعای عرفه، دعای عهد و دیگر ادعیه و روایات نبی اکرم (ص) نیز فقط نام همین چهار کتاب آسمانی آمده است. از این رو، مجموع کتب انبیاء را به چهار مرحله می توان تقسیم کرد:

زبور؛ نماد مرحله دعایی، تورات؛ مرحله شریعت، انجیل؛ سنبل طریقت و کتاب قرآن به اضافه مرحله حقیقت (حکمت و معرفت) است؛ لذا شامل دعا، شریعت، طریقت و حقیقت است. این مراحل، بیانگر سیر تکاملی شرایع و قوت نظریه طولی بودن ادیان در موضوع تکررگرایی دینی (پلورالیسم) است و حضرت نوح (ع) را در مرحله دوم و حضرت ابراهیم (ع) را در مرحله چهارم می توان ارزیابی کرد؛ لذا در قرآن کریم از حضرت ابراهیم با عنوان مسلمان حنیف (آل عمران / ۶۷)، و از آیین اسلام به عنوان «مِلَّةَ اَبِيكُمْ اِبْرَاهِيمَ» (حج / ۷۸)، یاد شده است. مفسران، زبور را به معنی مکتوب یا از ریشه عبری زمره به معنی قدرت، آواز یا سرود دانسته اند، و تورات، کلمه عبرانی به معنی قانون و تعلیم است که بر کتاب وحی موسی (ع) اطلاق شده و بی شک، کتب پنج گانه فعلی تورات (بخشی از عهد عتیق)، بعد از رحلت موسی (ع)، تألیف شده است، و انجیل، کلمه یونانی (به معنی بشارت)، نام کتاب حضرت عیسی بوده است؛ اما نحوه نزولش، مشخص نیست، بلکه وحی غیرملفوظ بوده؛ اناجیل، آن را تفسیر می کنند (حسینی طهرانی، ۱۳۹۶: ۴۲۲). به اعتقاد مسیحیان، حضرت عیسی (ع) کتابی نیاورده و تا شصت سال بعد از میلاد انجیل مکتوبی وجود نداشته است، بلکه سخنان و کردار عیسی (ع) به صورت شفاهی نقل می شده و بعدها نوشته ها و یادداشت هایی به وجود آمده و پس از چند قرن، کلیسا به طور رسمی اعلام کرده است (توماس، میشل، : ۱۵۸). که چه کتابی را باید مقدس شمرد. ماه مبارک رمضان، ماه نزول کتاب های بزرگ

آسمانی بوده و تورات در ششم ماه مبارک، انجیل در دوازدهم، زبور در هجدهم و قرآن مجید در شب قدر نازل شده‌است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۲۹)؛ بنابراین، سوگندها درصدد بیان مهم‌ترین مراکز وحی الهی و مراحل چهارگانه کتاب‌های آسمانی، در عین حال، ارائه مسیر تعالی هستند که انسان در پرتو تداوم عبودیت و طی مراحل بندگی، به فطرت و مرز انسانیت می‌رسد.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه سید محمد رضا صفوی، (۱۳۹۰)، چاپ سوم، قم، دفتر نشر معارف.
- نهج البلاغه، صبحی صالح، (۱۳۸۴)، چاپ سوم، قم، دارالحديث.
- ابن طاووس، رضی الدین، علی، (۱۳۳۰ق)، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، چاپ اول، قم، الشریف الرضی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- انجمن آنتی شبهات، (۲۰۲۴)، «پیامبری از فاران»: <https://anti-shobahat.com>
- انجمن کلیمیان، (۱۳۷۸)، کتاب تهلیلیم (مزامیر حضرت داوود)، چاپ اول، تهران، نشر افکار.
- انجمن کلیمیان تهران، (بی تا)، «صهیون»، قابل بازیابی در تارنمای: https://www.iranjewish.com/FAQ/FAQ49_Siyon.htm
- اندیشکده اریحا، (بی تا)، «عهد عتیق» (نسخه الکترونیکی)، www.bjes.ir
- ایکنا، (۱۳۸۸)، «معجزه قرآن در سوره تین بررسی می‌شود»، کد خبر: ۱۸۳۸۷۱۹
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۲۷)، البرهان، چاپ دوم، بیروت، موسسه اعلمی.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۸۴)، باستان شناسی و جغرافیای طبیعی قصص قرآن، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- توفیقی، حسین، (۱۳۹۱)، «تفسیر قطعی سوگندهای قرآن مجید»، قرآن شناخت، شماره ۹.

توماس، میشل، (۱۳۹۱)، کلام مسیحی، ترجمه توفیقی، حسین، چاپ سوم، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲)، الكشف والبيان، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
حسینی طهرانی، سید محمدحسین، (۱۳۹۲)، تفسیر آیه نور، چاپ دوم، تهران، مکتب وحی.
_____، (۱۳۷۶)، مهر تابان، چاپ سوم، مشهد، علامه.

طباطبائی حمیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۱) تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
دانشنامه جهان اسلام، (بی تا)، «زبور»، متعلق به بنیاد دایرة المعارف اسلامی، به نشانی:
<https://rch.ac.ir/article/Details?id=14506>

دانشنامه فلسطین، (۲۰۲۰)، «بیت تنیف، و زیتون» نسخه دیجیتالی: <https://palpedia.afagh-bidari.ir>
رامین نژاد، رامین، (۱۳۸۸)، مزار پیامبران، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
ساعدی، محمد، (۱۳۹۸)، المسجد الاقصی (تاریخیا - فقهیا - سیاسیا)، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۸۵)، کتاب مقدس، تهران، آیت عشق.
صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۸۸)، ترجمان فرقان، چاپ اول، تهران، شکرانه.
صبری پاشا، ایوب، (۱۴۲۴ق)، موسوعة مرآة الحرمين الشريفین و جزيرة العرب، چاپ اول، مصر، دارالآفاق العربیة.

صدوق، محمدبن علی، (۱۳۸۳)، علل الشرایع، چاپ اول، قم، مکتبه الحیدریه.
_____، (۱۳۷۸)، عیون اخبارالرضا(ع)، چاپ دوم، قم، شریف الرضی.
_____، (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۸)، قرآن در اسلام، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
_____، (۱۳۹۳)، المیزان، چاپ سی و ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۴۰۶ق)، مجمع‌البیان، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.

- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب العلمیه.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۸۵)، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، چاپ اول، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- عبده، محمد، (۱۹۸۵)، تفسیر جزء عم، چاپ اول، بیروت، مکتبه الهلال.
- علیمی الحنبلی، عبد الرحمن بن محمد، (۱۴۲۰ق)، الأنس الجلیل بتاریخ القدس والخلیل، اردن، چاپ اول، مکتبه دندیس.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، مکتبه العلمیه.
- کاوایان‌پور، احمد، (۱۳۷۸)، ترجمه قرآن، چاپ سوم، تهران، اقبال.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، کافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- گری، مارتین، (بی‌تا)، «نمازخانه تولد عیسی مسیح، بیت لحم»، راهنمای زیارت جهانی، در تارنمای: <https://fa.sacredsites.com>
- فتحی، امین، (۱۳۹۵)، آن کتاب پاکان، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۵.
- فرات الکوفی، ابن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۶۲)، الصافی، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- قرایی، علیرضا، ۱۳۹۰، «کوه‌های مقدس»، ویلاگ محیا: <https://alirezagharai.blogfa.com/post/142>
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، تفسیر القمی، چاپ چهارم، قم، دارالکتب.
- مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، (بی‌تا)، «نزول کتاب مقدس زبور بر حضرت داود(ع)»، قابل بازیابی در: <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/3875>
- مروجی طبسی، محمدعلی، (۱۳۹۹)، «اعتبارسنجی احادیث تأویلی سوگندهای سوره تین»، مطالعات/اعتبارسنجی حدیث، ش ۳.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.

ساعدی، محمد، (۱۳۹۸)، المسجد الاقصی (تاریخاً- فقهیاً- سیاسیاً)، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

محمدی شاهرودی، عبدالعلی، (۱۳۷۹)، معراج در آیین استدلال، چاپ اول، تهران، اسوه.

المشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ق)، المزار، تحقیق جواد القیومی، چاپ اول، قم، القیوم.

مصحف، عبدالعلی، (بی تا)، «درس‌هایی از قرآن، برداشتی از سوره التین و الزیتون»، ندای

اصفهان، اصفهان، بی جا. قابل بازیابی در <https://nedayeesfahan.ir>

مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، آشنایی با قرآن، چاپ چهل و هفتم، قم، صدرا.

مفید، محمد بن محمد، (بی تا)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

مقریزی، تقی الدین، (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع،

چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، چاپ نوزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

_____، (۱۳۸۶)، سوگندهای پربار قرآن، گردآوری و تحقیق، ابوالقاسم علیان

نژادی، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

میرباقری، محمد مهدی، (۱۴۰۰)، «تأویل و باطن آیات قرآنی داستان بنی اسرائیل»، وبگاه،

قابل دسترسی در: <https://noo.rs/FAMRZ> و <https://mirbaqeri.com>

نجفی، محمدجواد، (۱۳۷۹)، تفسیر آسان، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

نیکزاد، عباس، (۱۳۹۳)، کتاب مقدس زیر ذره بین، چاپ اول، قم، معارف.

هاشمی رفسنجان، اکبر، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، چاپ چهارم، قم، بوستان کتاب.

Bibliography

Holy Quran

Nahj al-Balagha, Sobhi Saleh, (1384 S.H), Qom, Dar al-Hadith. [In Arabic]

- Ibn Tавus, Razi al-Din, Ali, (1330 A.H), Jamal al-Osboue, Qom, Al-Sharif al-Razi. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar, (1419 A.H), Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut. Dar al-Katb Al-Elamiya. [In Arabic]
- Anti-Doubt Association, (2024), "A Prophet from Faran": <https://anti-shobahat.com>. [In Persian]
- The Clemian Association, (1378 S.H), Tehillim (Psalms of David), Tehran, Afkar Publishing House. [In Persian]
- Kilimian Association, Bita, available at: https://www.iranjewish.com/FAQ/FAQ49_Siyon.htm. [In Persian]
- Jericho Institute, Bita, Old Testament (electronic version): www.bjes.ir. [In Persian]
- X Shubah, (2012), "Why didn't God Almighty reveal the Holy Quran from the very beginning"? Retrieval at: <https://www.x-shobhe.com/quran/2202.html>. [In Persian]
- Ikna, (2009), "The Miracle of the Quran in Surah At-Tin is Examined", News Code: 1838719. [In Persian]
- Bahrani, Seyyed Hashem, (1427 A.H), Al-Burhan, Scientific Institute. [In Arabic]
- Bizar Shirazi, Abdul Karim, (2005), Archaeology and Natural Geography of the Stories of the Quran, Tehran, Islamic Culture Publishing House. [In Persian]
- Towfiqi, Hossein, (1391 S.H), "Definitive Interpretation of the Oaths of the Holy Quran", Quran Shathnath, No. 9. [In Persian]
- Tha'labi, Ahmad bin Muhammad, (1422 A.H), Al-Kashf and Al-Bayaan, Beirut, Dar Ihya Al-Turaht Al-Arabi. [In Arabic]
- Hamidi, Seyyed Ja'far, (1381 S.H), History of Jerusalem (Beit Al-Maqdis), Amir Kabir. [In Persian]
- The Encyclopedia of the Islamic World, Bita, "Zabur", owned by the Islamic Encyclopedia Foundation, at: <https://rch.ac.ir/article/Details?id=14506>. [In Persian]
- Encyclopedia of Palestine, (2020), "Beit Natif" and "Mount Zeytoun", digital version: <https://palpedia.afagh-bidari.ir>. [In Persian]
- Raminnejad, Ramin, (1388 S.H), The Tomb of the Prophets, Mashhad. Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Soleimani Ardestan, Abdolrahim, (1385 S.H), The Holy Bible, Tehran, Ayatul Ishq. [In Persian]
- Sadeghi Tehrani, Mohammad, (1392 S.H), The Interpreter of Furqan, Tehran, Shokraneh. [In Persian]
- Sabri Pasha, Ayyub, (1424 A.H), Encyclopedia of the Mirror of the Two Holy Mosques and the Arabian Peninsula, Egypt, Dar al-Afaq al-Arabiya. [In Arabic]
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (1383 S.H), AH, Kamal al-Din and Tamam al-Naama, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

- Saduq, Muhammad ibn Ali, (1378 S.H), Ayoun Akhbar al-Reza (AS), Qom, Sharif al-Radi. [In Arabic]
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (1395 A.H), Ellal al-Shara'i, Qom, Maktaba al-Haidariyyah. [In Arabic]
- Fayz Kashani, Mulla Mohsen, (1362 A.H), Al-Safi, Tehran, Islamiyyah Bookstore. [In Arabic]
- Taleghani, Seyyed Mahmoud, (1362 S.H), Partavi az Qur'an, Tehran, Joint-Stock Publishing Company. [In Persian]
- Tabarsi, Fadl ibn al-Hasan, (1406 A.H), Majma' al-Bayan, Beirut, Dar al-Marfa. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad ibn Hassan, (1365 S.H), Tahdhib al-Ahkam, Tehran, Dar al-Kutb al-Alamiyyah. [In Arabic]
- Hosseini Tehrani, Seyyed Muhammad Hussein, (1376 S.H), Mehr Taban, Mashhad. [In Persian]
- Hosseini Tehrani, Seyyed Muhammad Hussein, (1992 S.H), Tafsir ayah al-Nur, Tehran, Maktaba Wahi. [In Persian]
- Tareehi, Fakhr al-Din, (1375 S.H), Majma' al-Bahrain, Tehran, Mortazavi. [In Arabic]
- Abduh, Muhammad, (1985), Tafsir Juz' Am, Beirut, Maktaba al-Hilal. [In Arabic]
- Ameli, Jafar Morteza, (1385 S.H), Sahih Man Sirat al-Nabi al-Azam, Qom, Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Alimi al-Hanbali, Abd al-Rahman ibn Muhammad, (1420 A.H), al-Anas al-Jalil in the history of Al-Quds and Khalil, Jordan, Dandis Library. [In Arabic]
- Kavianpour, Ahmad, (1378 S.H), Quran translation, Tehran, Iqbal. [In Persian]
- Kilini, (1407 A.H), Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Gray, Martin, (No date), "Chapel of the Nativity", Bethlehem, on the website: <https://fa.sacredsites.com>. [In Persian]
- Fathi, Amin, (1395 S.H), "The Book of the Pure", Quarterly Journal of Quranic Studies, No. 25. [In Persian]
- Furat al-Kufi, Ibn Ibrahim, (1410 A.H), Tafsir al-Furat al-Kufi, Tehran, Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic]
- Qaraei, Alireza, (1390 S.H), "The Holy Mountains", Mohya Blog: <https://alirezagharai.blogfa.com/post/142>
- Qomi, Ali ibn Ibrahim, (1367 S.H), Tafsir al-Qomi, Qom, Dar al-Kutb. [In Arabic].
- The Great Islamic Encyclopedia Center, (No date), "The Revelation of the Holy Book of Psalms to Prophet David" (AS), Retrievable at: <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/3875>. [In Persian]
- Marwaji Tabasi, Mohammad Ali, (1399 S.H), "Validation of the Interpretative Hadiths of the Oaths of Surah Tin", Hadith Validation Studies, Vol. 3. [In Persian]

- Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 A.H), Bihar Al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Foundation. [In Arabic]
- Saedi, Mohammad, (1398 S.H), Al-Masjid Al-Aqsa (Historical - Jurisprudential - Political), First Edition, Tehran, World Forum for the Proximity of Islamic Denominations. [In Arabic]
- Mohammadi Shahrudi, Abdul Ali, (1379 S.H), Ascension in the Mirror of Argument, Tehran. Oswa. [In Persian]
- Al-Mashhadi, Mohammad bin Jafar, (1419 A.H), Al-Mazar, Research by Jawad Al-Qayyumi, Tehran, Al-Qayyum. [In Arabic]
- Mushaf, Abdul Ali, (No date), Lessons from the Quran, an excerpt from Surah Al-Tin and Al-Zaytun..., Isfahan. [In Persian]
- Motahari, Morteza, (1396 S.H), Familiarity with the Quran, Tehran, Sadra. [In Persian]
- Mofid, Muhammad ibn Muhammad, (No date), Al-Ikhtas, Tehran, Research by Ali Akbar Ghaffari, Jamia Madrasain. [In Arabic]
- Maqrizi, Taqi al-Din, (1420 A.H), Emta Al Asmae, Tehran, Dar al-Kutb al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser, (1379), Tafsir al- Numone, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyya. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Tehran, (1386 S.H), The fruitful oaths of the Quran, collection and research, Abul-Qasim Alian-Najadi, Qom, Imam Ali ibn Abi Talib (AS). [In Persian]
- Mir-Baqeri, Muhammad Mahdi, (1400 S.H), "Interpretation and the essence of the Quranic verses of the story of the Children of Israel", available at: <https://noo.rs/FAMRZ>, <https://mirbaqeri.com> [In Persian]
- Najafi, Mohammad Javad, (1379 S.H), Easy Interpretation, Tehran, Islamieh Bookstore. [In Persian]
- Nikzad, Abbas, (1393 S.H), The Holy Bible Under the Magnifying Glass, Qom, Maarif. [In Persian]
- Hashemi Rafsanjani, Akbar, (1386 S.H), Guide Interpretation, Tehran Bostan Ketab. [In Persian]